

بیاد اسناد بزرگوار مرحوم میرزا
عبدالعظیم خان قریب



سیف الدین محمود محلاتی

و کتاب «قندپارسی در مقدمات فارسی» دستوری آموزنده برای

غیرفارسی زبانان

فاضل و ادیب فقید، سیف الدین محمود محلاتی، به سال ۱۲۸۳ هجری قمری، مطابق با سال ۲۴۸۱ شاهنشاهی، به جهان چشم گشود و در شهر پونه، از شهرهای جنوبی هندوستان زندگی میکرد که بزبان شیرین پارسی عشقی بسیار و علاقه‌ای سرشار داشت و بسدین سبب روزگار خود را به غور و مطالعه کتابهای ادبی میگذاشت و پس از فرا گرفتن مقدمات علوم به تحقیق و بررسی در زبان پارسی پرداخت و آثاری از بزرگان سلف را به دقت از مد نظر گذرانید. مانند گلستان میر نوراله احراری - شرح بوستان عبدالواسع - فرهنگ جهانگیری - برهان رشیدی - غیاث اللغه مغنی ابن هشام - شرح تهذیب - تحفه زمخشری و کتابهای معتبر دیگر به پارسی و تازی. هنگامی که به چهلمین مرحله عمر رسید، به نوشتن کتابی نفیس و اثری سودمند دست یازید و در این کار رنجی فراوان برد، و سرانجام پس از هفت سال زحمت توفیق اتمام آنرا حاصل کرد و در رمضان سال ۱۳۳۰ هجری قمری آنرا بنام «قندپارسی در مقدمات زبان فارسی» بجهان علم و ادب و مشتاقان آموختن این زبان عرضه کرد.

این کتاب پس از اتمام به دستگیری کاتبی خوشنویس بنام حاج حسینعلی جهرمی تحریر شد، بخط خوش نستعلیق، و ده سال بعد، یعنی در تاریخ ۱۹ شهر ربیع الثانی ۱۳۴۱

* آقای دکتر مهدی درخشان عضو دانشمندیات علمی دانشگاه تهران از ادیبان مستحق مناسرت.

مطابق نهم ماه دسامبر ۱۹۲۲، در بعضی بزبورطبع آراسته گردید. سیف محلاتی، از مسلمانان شریعی دوازده امامی و مردی معتقد و متدین بود. و آثار دینداری و علاقه او بامور شرح از لایبلائی کتاب و محتویات آن بخوبی آشکار است. کتاب قندپارسی اثریست مضبوط و منقح، با فهرست کامل مطالب و ذکر شماره صفحات و خصوصیات و امتیازات دیگر و بسیار کم غلط (غلطنامه‌ای مختصر ضمیمه) و به جرأت می‌توان گفت نظیر آن در مطبوعات کماب است.

اگر به دریادی امر بحث درباره مطالب و مندرجات کتابی که بچاپ رسیده است بآید بنظر میرسد. ولی چون نسخه‌های این کتاب اکنون نادر و از دسترس اهل فضل و بهران فن دستور خارج گردیده است؛ معرفی آنرا ضمن اشاره‌ای اجمالی به محتویات و خصوصیات و ارزش بی‌شمار آن خدمتی لازم و بسزا می‌داند و جای آن دارد که استادان دستور و پژوهندگان قواعد زبان پارسی نسبت به مطالب و مندرجات آن عنایتی شایسته و سزاوار مبدول دارند و در صورت امکان به تجدید طبع و تحشیه و توضیح مطالب آن همت گمارند، باشد استفاده آن عام گردد و اثر نفسی دیگر در دسترس محققان و اهل ادب قرار گیرد.

نویسنده این مقاله تا آنجا که جستجو کرد هیچ‌گونه شرح‌حالی از سیف‌الدین محلاتی مشاهده نکرد. کتاب بدست نیاورد و در کتابهای تراجم احوال، همه جا جای نام و شرح حال و بهر حال ندید. نه در ریحانه‌الادب مدرس خیابانی، نه در گنجینه دانشوران شریف‌دازی، نه در فرهنگ اعلام شادروان دکتر معین، نه در اعیان الشیعه و نه در اعلام الشیعه و نه در سایر کتابها اثری از نام و شرح حال وی دیده نشد. لغت‌نامه دهخدا که از مراجع معتبر اهل فضل است از کتاب و کاتب نامی به میان نیاورده است. از دانشمندان و فضلاء معاصر نیز بزرگ دوتن که نامی از این کتاب برده‌اند هیچ‌یک از شرح حال نویسنده سخنی به میان نیاورده‌اند و بارز و اعتبار و مندرجات کتاب اشارتی ندارند. شگفت آنکه، یکی از مسولان بی‌انصاف و خودستای دستور، ضمن استفاده از این کتاب، (که از لایبلائی مندرجات و محتویات تالیف وی بخوبی پیداست) آنرا در ردیف کتابهای دستور ناقص و ناتمام و بی‌فایده شمرده است. بنابراین تجریر این صفحات برای شناساندن کتابی ارزنده و نادر الوجود و توجه اهل تحقیق به مطالب و مندرجات و لزوم تجدید طبع و نشر آن، و هم بازداشتن یغما که از ادبی از غارت مطالب آن، بی‌ذکر نام‌مآخذ، امری ضرور و بسیار لازم می‌نماید، بررسی آنکه، از نویسنده فاضل و گمنام آن نیز، رحمت‌اله علیه ذکر و تبجیلی، اگر چه به اجمال، به میان آمده است. براسستی سالهارنج برده و خون دل خورده تا چنین اثری بی‌بازار ادب عرضه داشته و یادگاری از خود باقی گذاشته است. پیش از آنکه به معرفی

کتاب و مندرجات آن بازگردیم بیان این نکته را در خور ذکر میدانیم که در زبان فارسی چنانکه اهل تحقیق بخوبی می‌دانند، کتابهایی که با نامهای مشترک به زینت تألیف آراسته شده بسیار است. مانند: کشف‌المحجوب، هشت بهشت، زبدة الحقایق، ظفر نامه، شاهنامه، نصیحة الملوك، عجایب‌المخلوقات، تحفة الملوك، بحر السعاف و سعدا کتاب دیگر که بعضی در موضوع و مطلب بایکدیگر اختلاف دارد ولی بعضی در نام و موضوع هر دو بایکدیگر مشترك است. و البته این اشتراك نام دو کتاب بهیچ وجه از ارزش تألیف و مؤلف آن نمی‌کاهد. بل اگر نام با موضوع و مسمای کتاب منطبق باشد بر اهمیت و اعتبار آن میافزاید. و این نامگذاری خوب و متناسب سبب شهرت و رونق بیشتر آن می‌گردد: قندپارسی، یکی نام مجموعه‌ایست از بهترین اشعار سخنوران زبان پارسی که بوسیله آقای مظاهر مصفا استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی فراهم آمده، در دو مجلد و به چاپ رسیده، دیگر «قند پارسی در مقدمات فارسی» که نام همین کتاب مورد بحث است در بیان دستور و قواعد زبان فارسی که اکنون به شرح آن باز می‌پردازد.

نظری اجمالی به کتاب و مندرجات آن - کتاب قندپارسی بر کاغذی کاهی و به قلم وزیر و چاپ سنگی، در چهار صد و پنجاه و چند صحیفه بطبع رسیده است. در یک مجلد، و مشتمل بر یک دیباچه مختصر و فهرست مطالب و دو تقریظ^۴ در پایان آن. و هفت کتاب بدین شرح: کتاب حروف - کتاب اسماء - کتاب افعال - کتاب مشترکات - کتاب حروف عامله - کتاب مصطلحات - کتاب کلمه و کلام.^۵

در کتاب حروف که نخستین فصل آنست اقسام حروف را در ۲۲ قسم ذکر کرده و پس از ذکر حروف الفبا و ترسیم آنها و نمودن بسط حروف در هنگام تلفظ و بیان حروف مسروری و مکتوبی و ملفوظی و ابجدی و ابثی و شماره انواع ارقام ابجد کبیر و صغیر و شرقی و غربی و شرح مخارج و طبایع و اعراب و خواص بعضی از حروف، به ذکر پساوندها و موارد استعمال آنها پرداخته. مانند: ناک. کان. گار. دان. سار. زار. بار. دار. کش. وش. کین. گر. گون. در. وند. اند. آنه. بد. لاج و غیره. سپس حروف آواها و اصوات و ندا و عطف و استفهام و استثناء و شرط و استدراك و رابطه و نکره و نهی و نفی و سبب و قبول و تخصیص و تردید را بشرح آورده است و در بیان تمام آنها با اسلوبی سره و روشن و ذکر مثالهایی ساده حق مطلب را ادا کرده و در عین رعایت اختصار نکته‌ای فروگذار نکرده است.

در کتاب اسماء اقسام نامها را که در فارسی مصطلحست به تفصیل بیان کرده و آنرا پنجاه قسم نهاده است و کلماتی را نظیر صفت. موصول. ضمیر. اسم اشاره. کنایات. مبهمات. اسم اعداد و اسم مقدار و اسم التوقید زمان و مکان را در ردیف اسم قرار داده. و نیز تعدادی از اسمها را که جای تعریف آنها در صرف و نحو عربیست، از آنجا که در فارسی

مصطلحند در شمار آنها آورده . مانند اسم مقصور و منقوص . معرب و مبنی (که در فارسی با اضافه کردن کلمه‌ای بکلمه دیگر حاصل میشود) . موصول . مرتجل . اسم مستثنی و اسم متمکن و غیر متمکن و غیره .

اسم علم را که متأخران با اسم خاص یکی شمرده‌اند به پیروی از قواعد عربی از آن جدا دانسته و می‌نویسد :

«اسم علم اسمی است که مسمی بآن شهرت یافته باشد چون زید . عمرو . زینب»
همچنین اسم جنس و عام را زیر عنوان دو نوع جداگانه از اسمها تعریف کرده و چنین آورده است : «اسم جنس اسمی است که مسمای آن مرکب است از اقسام يك چیز چون ناله که اسم جنس حیوانات است . از گندم و جو و ارزن و ... و بدان که جنس چیز است که نوع در تحت آنست و صنف در تحت نوع و فرد در تحت صنف ...»

برخی از قواعدی که در این کتاب به متابعت از قواعد صرف و نحو عربی اسم فعل شمرده و در ردیف اقسام اسمها نام برده است . مانند بگذار . بگیر . بیار . ببر . بهل

در بحث صفت و اقسام آن از صفت نسبی ذکر می‌آورد ولی در فصلهای دیگر در ضمن مطالب مختلف برای نسبت دادن کسی یا چیزی به چیزی یا جایی علامات زیر را برمی‌شمارد: ی - بن - ه - و - ن . که مثال برای حروف سه گانه نخست پیدا است و در حروف «واو» و «نون» کلمه‌های هندو و پتو (= پت بمعنی پشم نرم + و) و ریم (= ریم بمعنی چرک + ن) و برنجن را ذکر میکنند . و نیز در این فصل اقسام صفت و اقسام مصدر و اقسام فاعل را در ردیف اسمها شمرده است . مانند مصدر مطلق - مصدر ترکیبی - مصدر شمی - مصدر بانی - مصدر جعلی و انواع مصدرهای دیگر .

و از اقسام فاعل چون فاعل مطلق - فاعل مرکب مرخم - فاعل مرکب از اسم و افعال (مانند شکر - باعزت) و فاعل اسمی (مانند حسن زد که حسن فاعل است ...) و فاعلهای دیگر که با افزودن حرفی در آخر کلمه بدست می‌آید و غیره سخن میراند .

مانده دارد

- ۱- نسخه‌ای از این کتاب نفیس در میان کتابهای محدودی که از پدر بزرگوارم شادروان آقا علم درخشان فرزند محمدرضا رحمة الله علیهما بازمانده است در اختیار این ضعیف می‌باشد.
- ۲- اشاراتی که بشرح حال مؤلف و تاریخ تألیف کتاب شده مستنبط از محتویات کتاب قند پارسی است.
- ۳- دانشمند خانبا با بیانی نسخه‌ای از آنرا دیده و در فهرست کتابهای جایی نام آنرا بدون هیچگونه شرحی از مؤلف ذکر کرده است.
- ۴- تفریط نخستین از حاج میرزا رحیم ثقه الاسلام بلبله‌ای باد کوبه‌ای و تفریط دوم از آقای عبدالرحیم خان بن محمد نبی خان شیرازی.
- ۵- تعداد صفحات کتابها که هر يك جداگانه شماره گذاری شده به ترتیب عبارتست از: کتاب اوائلی صفحه ۵۸ صفحه دوم ۴۵ صفحه سوم ۸۱ صفحه چهارم ۵۳ صفحه پنجم ۹۱ صفحه ششم ۳۳ صفحه هفتم ۵۵ صفحه